

## واکاوی موضوع حرمت پیامبر ﷺ از منظر آیات قرآن کریم

منصور پهلوان\*

مجید مجرد\*\*

### چکیده

پیامبر اکرم ﷺ از حرمت و احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که خدای متعال به پاس هماهنگی همه جانبه رسول اکرم ﷺ با قرآن کریم و نیز برای ترغیب دیگران به تاسی به چنین سیره‌ای، از وجود مقدس آن حضرت ﷺ با عظمت یاد فرموده است. قرآن کریم در آیات متعددی همچون آیه ۶۳ سوره نور، آیه ۱ حجرات، آیه ۵۳ و ۵۴ احزاب و آیه ۶۵ نساء به موضوع حرمت پیامبر اکرم ﷺ پرداخته است، از این رو حفظ حرمت آن حضرت ﷺ یکی از بایسته‌ها و اصول ثابت قرآن کریم است. براساس این اصل، همگان نسبت به رعایت حرمت آن بزرگوار ﷺ مسئول هستند. عنایت‌های ویژه خدای متعال به پیامبر ﷺ، همراهی و معیت نام پیامبر ﷺ با نام حق تعالی، مصادیق متعدد محبت الهی به پیامبر ﷺ، تجلیل‌های ویژه از پیامبر ﷺ در خطاب‌های الهی و جلوه‌های فراوان دل‌داری‌های خدای سبحان از پیامبر ﷺ از جمله مؤلفه‌ها و مستندات هستند که لزوم حفظ حرمت نبوی ﷺ را اثبات می‌کنند.

### واژگان کلیدی

آیه ۶۳ نور، آیه ۱ حجرات، حرمت پیامبر اکرم ﷺ، تجلیل پیامبر ﷺ.

jqst@ut.ac.ir

mmirzaee40@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۳۱

\*. استاد دانشگاه تهران.

\*\* دانشجوی دکتری پژوهشکده نهج البلاغه (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۲

### طرح مسئله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حرمت، احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که خدای متعال به پاس هماهنگی همه جانبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله با قرآن کریم و نیز برای ترغیب دیگران به تاسی به چنین سیره‌ای، از وجود مقدس آن حضرت با عظمت یاد می‌کند و در هیچ جای قرآن او را با اسم، مخاطب قرار نداده، بلکه با القاب القابی مانند «یا ایها الرسول»، «یا ایها النبی»، «یا ایها المدرثر»، «یا ایها المزمّل»، و مانند آن یاد کرده است، اما درباره دیگر پیامبران آنها را با نام خطاب نموده است مانند «یا نوح»، «یا موسی» و «یا داود». در آیات قرآن چهار بار از محمد و یک بار از احمد یاد شده است. در مواردی که به نام آن حضرت تصریح شده دارای نکته‌ای است که بدون تصریح به نام پیامبر صلی الله علیه و آله آن نکته تأمین نمی‌شود، مانند خاتمیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله. این مقاله می‌کوشد تا به این سؤال پاسخ دهد که آیات قرآن کریم به مسئله حرمت پیامبر چگونه نگریسته است؟

### مفهوم‌شناسی

واژه‌های «حرمت، تحریم، حرام، إحرام، احترام، حریم» از ریشه «ح ر م» مشتق شده‌اند. واژه «حرم» و مشتقات آن در ۲۵ سوره قرآن کریم ۸۳ مرتبه و در قالب ۲۶ هیئت و شکل (مَحْرُوم، مَحْرُومُون، حَرَام، الحَرَام، حَرَامًا، حَرَمًا، حُرْمًا، حُرْمًا، الحُرْمَات، الحُرْمَات، حَرَمَ، حَرَمَهَا، حَرَمَهُمَا، حَرَمُوا، حَرَمْنَا، حُرْمٌ، حُرْمَتٌ، یَحْرُمُ، یَحْرُمُونَ، یَحْرُمُونَهُ، تُحْرِمُ، تُحْرِمُوا، مُحْرَمٌ، الْمُحْرَم، مُحْرَمًا، مُحْرَمَةً) به کار رفته است. (واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۱ / ۵۴۳) ابن فارس، «ح ر م» را دارای یک اصل و به معنای «منع و تشدید» می‌داند. (ابن فارس، ۱۳۹۰: ۲۲۱) جوهری، حریم را از حرمت و به معنای «منع» دانسته و حرمت آن چیزی است که هتک آن جایز نیست. (جوهری، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۸۹۵) ابن منظور نیز بر این معنا تأکید نموده و می‌نویسد: حریم را به این دلیل حریم نامیده‌اند که به واسطه منع صاحبش یا ... تصرف دیگران در آن حرام است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۲ / ۱۲۵) راغب اصفهانی نیز در همین زمینه می‌نویسد: حرم را از آن جهت حرم می‌نامند که خدای متعال بسیاری از چیزهایی که در دیگر اماکن حرام نیست، در آن محل حرام کرده است. (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۲۴۱) بستانی نیز می‌نویسد: حریم در لغت به هر چیزی که مستلزم حمایت باشد، گفته می‌شود، به همین دلیل به همسر و مسکن انسان، حریم اطلاق می‌گردد. (بستانی، بی‌تا: ۷ / ۱۹) طریحی بر همین معنا تأکید می‌کند و نویسد: حریم به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که کسی نمی‌تواند در آن فرود آید و یا ادعایی نسبت به آن بنماید (طریحی، ۱۴۱۶: ۶ / ۳۹) و «احترام» در اصطلاح عُرْف، به معنای «تعظیم، گرامیداشت، و بزرگداشت»، بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص، شیء، مکان یا زمان محترم، دارای حرمت و حریمی است که حفظ آن لازم، و هتک آن ناروا است. (فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۳: ۲ / ۲۱۵) واژه «حُرْمَات» که در آیه ۳۰ سوره حج به آن اشاره شده است، جمع «حُرْمَة» و در اصل به معنای چیزی است که

واکاوی موضوع حرمت پیامبر ﷺ از منظر آیات قرآن کریم □ ۴۵

باید احترام آن حفظ شود و در برابر آن بی‌حرمتی نشود و در آیه مورد اشاره؛ مراد خانه کعبه و حرم مکه است. واژه «محروم» در آیه ۲۵ سوره معارج و ۱۹ سوره ذاریات نیز، در اصل، به‌معنای باز داشته شده از خیر است؛ یعنی کسی که از روزی و درآمد کافی ممنوع است. (شریعتمداری، ۱۳۸۷: ۱ / ۴۹۷)

بر این اساس باید گفت که واژه حریم در زبان عربی، به دو صورت استعمال شده است: یکی به‌صورت «مفرد» که در این صورت به‌معنای شریک، دوست، و نیز به‌معنای چیزی است که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد؛ چراکه عرب جاهلی به هنگام طواف کعبه، لباس خود را در آورده و برهنه طواف می‌کردند و به علت اینکه در آن لباس‌ها گناه کرده بودند، تا پایان طواف به آنها نزدیک نمی‌شدند و دیگری به‌صورت «مربک» که در این صورت کلمه حریم، گاه به «مال» اضافه می‌شود و گاه به «انسان». در صورتی که کلمه «حریم» به «مال» اضافه شود، به‌معنای «اطراف و پیرامون» است، همانند حریم چاه، که به‌معنای زمین اطراف آن است که خاک چاه را در آن می‌ریزند و یا برای آب دادن به حیوانات و مانند آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد و حریم خانه که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که استفاده کامل از خانه، به آن نیازمند است. در صورتی هم که واژه «حریم» به «انسان» اضافه شود، به‌معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به‌خاطر آن جنگید. حریم به این معنا، مواردی همانند شخصیت، جان، آبرو، اهل و عیال و اموال انسان را شامل می‌شود. (ر.ک: همان) در زبان فارسی نیز، واژه «حریم» به چند معنا به‌کار رفته است. معنای نخست در صورتی است که «مصدر» باشد، که به‌معنای «باز داشتن از چیزی» و «بی‌بهره کردن از چیزی» خواهد بود. در حالت دوم، در صورتی که «صفت» باشد، به‌معنایی از قبیل «بازداشت کرده» و «حرام کرده شده» که مس آن جایز نیست و یا چیزی که حرام است و دست به آن نتوان زد و یا چیزی که آن را حمایت کنند و برای آن آنگ جنگ نمایند، می‌باشد و حالت سوم، در صورتی است که «اسم» باشد، که به‌معنای «حرمت و احترام»، «آبروی مردم»، «گرداگرد حوض و چاه»، «پیرامون»، «دورادور» و «حوالی و اطراف» و دیگر معانی مشابه است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶ / ۸۹۰۴؛ معین، ۱۳۸۲: ۱ / ۹۷۳) «حرمت» در اصطلاح نیز به‌معنای «ما لایجل إنتهاکه؛ چیزی که هتک آن روا نیست» می‌باشد. (سعدی، ۱۴۰۸: ۸۷؛ قله‌چی، ۱۴۰۸: ۱۷۷؛ فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۱: ۱۰ / ۵۷۰)

#### مؤلفه‌های حرمت پیامبر اکرم ﷺ

مراد از مؤلفه‌های حرمت پیامبر اکرم ﷺ آن دسته از حقایق و مستندات موجود در آیات نورانی قرآن کریم و روایات اسلامی است که حرمت و جایگاه والای رسول اکرم ﷺ را به اثبات می‌رسانند. هر یک از این مؤلفه‌ها، بیانگر و اثبات‌کننده حرمت والای رسول اکرم ﷺ و زوایای متعدد و متنوع جایگاه رفیع آن بزرگوار است. مؤلفه‌های حرمت از زاویه نگاه محققان می‌تواند متنوع و متعدد باشد که در ادامه برخی از آنها تبیین می‌شود:

### یک. عنایت‌های ویژه خدای متعال به پیامبر اکرم ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ همواره از الطاف خاص پروردگار متعال بهره‌مند بوده است؛ چنان‌که آن حضرت براساس روایات اسلامی در آفرینش الهی به‌عنوان «اول ما خلق الله»؛ «مخلوق اول»، «صادر نخستین» و «عقل اول» معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۹۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹ / ۲۷۸) خدای متعال، با استقرار رسول اکرم ﷺ در حضور خود، به آن حضرت ﷺ منزلتی خاص بخشیده است و با توجه به آیه «وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل / ۶) گذشته از قرآن، پیامبر ﷺ نیز در موطن غیبی در حضور خدای سبحان بوده است. قرآن به‌عنوان ام‌الکتاب و رسول ﷺ به‌عنوان تلقی‌کننده علم لدنی مطرح است و خدای سبحان یکی را به‌عنوان رسول، ارسال و دیگری را به‌عنوان کتاب، انزال می‌کند ولی به‌عنوان تعظیم و تکریم انسان کامل، به ما می‌فرماید: «و از نوری که با او فرود آمده پیروی نمودند» (اعراف / ۱۵۷) و نمی‌فرماید پیغمبر ﷺ به همراه قرآن آمده بلکه می‌فرماید: قرآن به همراه پیغمبر ﷺ آمده است. معلوم می‌شود ملاک و محور آن دو، انسان کامل است؛ یعنی قرآن با انسان کامل است، البته به مقتضای این نشئه، ولی در بعضی نشأت دیگر، تعبیر آن است که یکی بزرگ‌تر از دیگری است، که با بررسی مسائل دیگر معلوم می‌شود که قرآن از کون جامع؛ یعنی انسان کامل بزرگ‌تر نیست؛ زیرا انسان‌های کامل نخستین مخلوق در جهان آفرینش هستند که نورشان صادر یا ظاهر اول است و از سوی دیگر، قرآن کریم هم یا صادر اول و ظاهر اول است که در این حال همتای انسان‌های کامل؛ یعنی معصومین ﷺ خواهد بود و یا متأخر است. پس نمی‌توان در آن نشئه، قرآن را اکبر و انسان کامل را اصغر دانست، البته در دنیا و برزخ و در بعضی از مراحل قیامت چنین است و جسمشان باید فدای جان قرآن شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۸ / ۱۸۶)

مقام والای آن حضرت ﷺ نزد خداوند به‌قدری است که صلوات مستمر خدا و ملائکه الهی شامل حال او است و اهل ایمان نیز برآن امر شده‌اند. (احزاب / ۵۶)

برخی از جلوه‌های محبت و عنایت خدای متعال به پیامبر اکرم ﷺ بدین صورت است:

### دو. معیت نام پیامبر ﷺ با نام خدای متعال در قرآن

خدای حکیم، یاد و نام پیامبر ﷺ را بلند و رفیع کرده و درباره آن فرموده است: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (انشراح / ۴) ابوسعید خدری در ذیل آیه از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند: جبرئیل به من گفت: که خدای عزوجل فرمود: هرگاه من یاد شوم، تو هم با من یاد شوی (طبرسی، ۱۴۰۶: ۲۷ / ۱۵۷) این رفعت نام و مقام در حالی است که بالاترین دشمنی‌ها با ساحت مقدس آن حضرت از جانب دشمنان اسلام صورت پذیرفته است، چنان‌که ابن‌ابی‌الحدید به دشمنی معاویه با پیامبر اسلام ﷺ اشاره می‌کند. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۱۵: ۵ / ۱۳۰) رفع ذکر به‌معنای بلندآوازه کردن کسی است، به‌طوری که نام و گفتگوش از همه نام‌ها و همه خاطره‌ها بلندتر باشد و خدای تعالی نام آن حضرت را

واکاوی موضوع حرمت پیامبر ﷺ از منظر آیات قرآن کریم □ ۴۷

چنین کرد (همه جا سخن از آن حضرت بود)، یکی از مصادیق رفع ذکر آن جناب این است که خدای تعالی نام او را قرین نام خود کرد و در نتیجه در مسئله شهادتین که اساس دین خدا است، نام او قرین نام پروردگارش قرار گرفت و بر هر مسلمانی واجب کرد که در هر روز در نمازهای پنج‌گانه واجب نام آن جناب را با نام خدای تعالی به زبان جاری سازد. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۰ / ۵۳۲) قرآن کریم، همراهی نام پیامبر اکرم ﷺ با نام خدا را در آیات متعددی بیان کرده است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: اطاعت از خدا و رسول ﷺ (آل عمران / ۳۲)؛ استجابت دعوت خدا و رسول ﷺ (انفال / ۲۴)؛ مالکیت خدا و رسول ﷺ بر انفال (انفال / ۱)؛ ارجاع نزاع و درگیری‌ها به خدا و رسول ﷺ (نساء / ۵۹)؛ فرمان‌بری از خدا و رسول ﷺ (احزاب / ۳۱)؛ ایمان به خدا و رسول ﷺ (نور / ۴۷)؛ حکم و داوری خدا و رسول ﷺ (نور / ۴۸)؛ نگرانی کاذب و نگرش غلط، نسبت به ظلم احتمالی خدا و رسول ﷺ (نور / ۵۰)؛ رؤیت اعمال انسان‌ها توسط خدا و رسول ﷺ (توبه / ۱۰۵)؛ نصرت و یاری رساندن به خدا و رسول ﷺ (حشر / ۸)؛ مالکیت خدا و رسول ﷺ بر خمس (انفال / ۴۱)؛ مالکیت خدا و رسول ﷺ بر فیء و اموالی از کافران، که خدا به پیامبر ﷺ برگردانده است (حشر / ۷)؛ بخشش و کرم خدا و رسول ﷺ (توبه / ۵۹)؛ دشمنی و مخالفت دشمنان با خدا و رسول ﷺ (حشر / ۴)؛ کفر به خدا و رسول ﷺ (توبه / ۸۰)؛ بیعت با رسول ﷺ به مثابه بیعت با خدا (فتح / ۱۰)؛ معصیت و نافرمانی از خدا و رسول ﷺ (جن / ۲۳)؛ مخالفت شدید با خدا و رسول ﷺ (توبه / ۶۳)؛ محاربه با خدا و رسول ﷺ (مائده / ۳۳)؛ اذیت و آزار خدا و رسول ﷺ (احزاب / ۵۷)؛ هجرت به سوی خدا و رسول ﷺ (نساء / ۱۰۰)؛ ایمان ویژه و خاص به خدا و رسول ﷺ (نساء / ۱۳۶)؛ ولایت خدا و رسول ﷺ و ائمه اطهار ﷺ بر همگان (مائده / ۵۵)؛ پذیرش ولایت خدا و رسول ﷺ (مائده / ۵۶)؛ براءت خدا و رسول ﷺ از مشرکان عهدشکن (توبه / ۱)؛ اعلام براءت خدا و رسول ﷺ از مشرکان عهدشکن (توبه / ۳)؛ نبود عهده‌ای از سوی خدا و رسول ﷺ برای مشرکان عهدشکن (توبه / ۷)؛ اعضای در محرم اسرار قرار گرفتن خدا و رسول ﷺ و اهل ایمان (توبه / ۱۶)؛ اولویت کسب رضایت خدا و رسول ﷺ (توبه / ۶۲)؛ تمسخر خدا و رسول ﷺ و آیات الهی توسط منافقان (توبه / ۶۵)؛ غنا و بی‌نیاز کردن انسان‌ها توسط خدا و رسول ﷺ (توبه / ۷۴)؛ تکذیب خدا و رسول ﷺ توسط بازنشستگان از جنگ (توبه / ۹۰)؛ نصیحت خلق؛ خالصانه برای خدا و رسول ﷺ (توبه / ۹۱)؛ وعده خدا و رسول ﷺ (احزاب / ۱۲ و ۲۲)؛ صداقت و راست‌گویی خدا و رسول ﷺ (احزاب / ۲۲)؛ لزوم خواستن خدا و رسول ﷺ و طلب کردن آنها (احزاب / ۲۹)؛ پرهیز از جلو افتادن از خدا و رسول ﷺ (حجرات / ۱)؛ عزت خدا و رسول ﷺ و اهل ایمان. (منافقون / ۱)

سه. مصادیق محبت خدای متعال به پیامبر اکرم ﷺ

با تأمل در آیات قرآن کریم، مصادیق متعددی از الطاف ویژه خدا به پیامبر ﷺ قابل مشاهده است، به گونه‌ای که در ۱۰۴ سوره، - ۷۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی - به‌طور مستقیم به آن حضرت ﷺ اشاره شده است

(مغناوی، ۱۴۲۹: ۱ / ۱۸۳) چندین سوره قرآن همچون: محمد، مزمل، مدثر، طه و یس به نام یکی از اسامی پیامبر ﷺ است و نام سوره اسراء، با نگاهی مستقیم به معراج آن حضرت ﷺ انتخاب شده است. نام سوره کوثر، در پاسخ به شماتت‌کنندگان ایشان ﷺ و بیانگر تفضل و هبه حضرت زهرا ی اطهر ﷺ از سوی خدای سبحان به رسول اکرم ﷺ است. آیات آغازین و ابتدایی ۳۶ سوره، به‌نوعی به جلوه‌ای از سیره رفتاری و گفتاری و یا مأموریت رسول گرامی اسلام ﷺ تصریح دارد، البته اهل سنت آیه نخست سوره عبس را نیز درباره پیامبر ﷺ می‌دانند (سیوطی، ۱۴۱۴: ۶ / ۳۱۴) «عَبَسَ وَتَوَلَّى \* أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى» که درباره این مورد باید گفت: آیات سوره مورد بحث، دلالت روشنی ندارد بر اینکه مراد از شخص مورد عتاب، رسول خدا ﷺ است، بلکه صرفاً خبری می‌دهد و انگشت روی صاحب خبر نمی‌گذارد، از این بالاتر اینکه در این آیات شواهدی است که دلالت دارد بر اینکه منظور، غیر رسول خدا ﷺ است؛ چون صفت عبوس از صفات رسول خدا ﷺ نبوده و آن جناب حتی نسبت به کفار عبوس نمی‌کرده تا چه رسد به مؤمنین رشدیافته. اشکال سید مرتضی بر این روایات وارد است، که می‌نویسد: اصولاً از اخلاق رسول خدا ﷺ نبوده و در طول حیات شریفش سابقه نداشته که دل اغنیا را به دست آورد و از فقرا رو بگرداند. با اینکه خود خدای تعالی خُلُق آن جناب را عظیم شمرده و قبل از نزول سوره مورد بحث، در سوره «نون» که به اتفاق روایات در ترتیب نزول سوره‌های قرآن، بعد از سوره «أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ» نازل شده فرموده: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»، چطور تصور دارد که در اول بعثتش خلقی عظیم (آن هم به‌طور مطلق) داشته باشد و خدای تعالی به این صفت او را به‌طور مطلق بستايد، بعداً برگردد و به‌خاطر پاره‌ای اعمال خلقی، او را مذمت کند و چنین خلق نکوهیده‌ای را به او نسبت دهد که تو به اغنیا متمایل هستی، هرچند کافر باشند و برای به‌دست آوردن دل آنان از فقرا روی می‌گردانی، هرچند که مؤمن و رشدیافته باشند.

افزون بر همه اینها مگر خدای تعالی در یکی از سوره‌های مکی؛ یعنی در سوره شعراء به آن جناب نفرموده بود: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ \* وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء / ۲۱۵ - ۲۱۴)، و اتفاقاً این آیه در سیاق آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» است، که در اوایل دعوت نازل شده است. از این هم که بگذریم مگر به آن جناب نفرموده بود «لَا تُمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر / ۸۸) پس چطور ممکن است در سوره حجر که در ابتدای دعوت علنی اسلام نازل شده به آن جناب دستور دهد اعتنایی به زرق و برق زندگی دنیا داران نکند و در عوض در مقابل مؤمنین تواضع کند و در همین سوره و در همین سیاق او را مأمور سازد که از مشرکین اعراض کند و بفرماید: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر / ۹۴) آن وقت خبر دهد که آن جناب به‌جای اعراض از مشرکین، از مؤمنین اعراض نموده و به‌جای تواضع در برابر مؤمنین در برابر مشرکین تواضع کرده است!

واکاوی موضوع حرمت پیامبر ﷺ از منظر آیات قرآن کریم □ ۴۹

علاوه بر این زشتی عمل مذکور چیزی است که عقل به زشتی آن حکم می‌کند و هر عاقلی از آن متنفر است، تا چه رسد به خاتم انبیاء ﷺ و چنین قبیح عقلی احتیاج به نهی لفظی ندارد؛ چون هر عاقلی تشخیص می‌دهد که دارایی و ثروت به هیچ وجه ملاک فضیلت نیست و ترجیح دادن جانب یک ثروتمند به خاطر ثروتش بر جانب فقیر و دل او را به دست آوردن و به این رو ترش کردن رفتاری زشت و ناستوده است ... در مجمع البیان، از امام صادق ﷺ روایت شده که فرموده است این آیات درباره مردی از بنی‌امیه نازل شده که در حضور رسول خدا ﷺ نشست بود، این‌ام مکتوم آمد، مرد اموی وقتی او را دید قیافه‌اش را در هم کشید و او را کتیف پنداشته، دامن خود را از او جمع کرد، و چهره خود را عبوس نموده رویش را از او گردانید، خدای تعالی داستان را در این آیات حکایت نموده عملش را توبیخ نمود. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۰ / ۳۳۰)

بخش پایانی ۳۹ سوره قرآن کریم نیز با بیان و یادآوری جلوه‌های از جلوات رفتاری و گفتاری حضرت محمد ﷺ خاتمه می‌یابد، نکته جالب توجه در عنایت خدای متعال به پیامبر ﷺ آن است که در قرآن کریم پس از بیان قصص و ماجراهای انبیاء ﷺ و اقوام گذشته؛ معمولاً یادآوری و حمایت و دلداری از رسول اکرم ﷺ صورت می‌پذیرد، به‌عنوان مثال در سوره آل عمران پس از آنکه از آیات ۳۵ تا ۴۳ ماجرای حضرت مریم ﷺ بیان می‌شود، در آیه ۴۴ خدای متعال می‌فرماید:

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ.

این [مطالب]، از خبرهای غیبی [= از حسن پوشیده] است که آن را به تو وحی می‌کنیم؛ و [گر نه، تو] نزدشان نبودی، هنگامی که قلم‌های خود را [برای قرعه کشی، به آب] می‌افکندند [تا] کدام یک سرپرستی مریم را عهده دار شود، و [نیز] به هنگامی که [با] یک دیگر [کشمکش داشتند، نزدشان نبودی].

از جمله عنایت‌های دیگر خدا به پیامبر اسلام ﷺ، عطاها و موهبت‌هایی است که بدون هرگونه درخواست و سؤالی از سوی آن حضرت ﷺ - برخلاف دیگر انبیا الهی ﷺ - ، از جانب حق تعالی به ایشان ﷺ عطا شده است، مانند: ۱. پس از داستان قوم حضرت لوط ﷺ، خدا خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (اعراف / ۸۴)؛

۲. پس از ماجرای حضرت نوح ﷺ، حضرت هود ﷺ، حضرت صالح ﷺ، حضرت لوط ﷺ و حضرت شعیب ﷺ حق تعالی خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا» (اعراف / ۱۰۱)؛

۳. پس از ماجرای حضرت موسی ﷺ و دشمنی فرعونیان، خدا به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف / ۱۰۳؛ و نیز طه / ۹۹؛ نمل / ۱۴؛ یونس / ۹۴)؛

۴. پس از ماجرای حضرت نوح علیه السلام نیز در خطابی به نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ...» (هود / ۴۹)؛

۵. پس از ماجرای حضرت یوسف علیه السلام، می فرماید: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ» (یوسف / ۱۰۲)؛

۶. پس از ماجرای قوم لوط، اصحاب ایکه و اصحاب حجر خدا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ \* إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (حجر / ۸۶ - ۸۵)؛

۷. پس از بیان ماجراهای حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت داود علیه السلام و حضرت صالح علیه السلام، می فرماید: «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ أَنَا دَمَرْنَا لَهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ» (نمل / ۵۱)؛

۸. در سوره شعراء، هشت مرتبه، عبارت «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ \* وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» تکرار می شود؛ یک بار پس از بیان اعراض کفار قریش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز تکذیب آن حضرت صلی الله علیه و آله (آیات ۹ - ۸)، و هفت بار پس از بیان ماجرای حضرت موسی علیه السلام (آیات ۶۸ - ۶۷)، حضرت ابراهیم علیه السلام (آیات ۱۰۴ - ۱۰۳)، حضرت نوح علیه السلام (آیات ۱۲۲ - ۱۲۱)، حضرت هود علیه السلام (آیات ۱۴۰ - ۱۳۹)، حضرت صالح علیه السلام (آیات ۱۵۹ - ۱۵۸)، حضرت لوط علیه السلام (آیات ۱۷۵ - ۱۷۴) و حضرت شعیب علیه السلام (آیات ۱۹۱ - ۱۹۰) حمایت ها و عنایات های ویژه خدا نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مواضع و موقعیت های مختلف دوران حیات پر برکت آن حضرت صلی الله علیه و آله مطرح بوده است. امام علی علیه السلام درباره لطف ویژه خدای متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله از ابتدای حیات آن حضرت صلی الله علیه و آله می فرماید:

از زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از شیر گرفته شد، خدا بزرگترین فرشته از فرشتگان خود را همدم او گردانید و آن فرشته او را شب و روز در راه بزرگواری ها خوی های والای انسانی حرکت می داد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) و رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز خود را تربیت شده خاص خدا می داند و می فرماید: «أنا أديب الله» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۱ / ۵۱) قرآن کریم آکنده از مصادیق لطف الهی و عنایات ویژه حق تعالی به رسول خاتم صلی الله علیه و آله است که ۶۴ مورد از آنها عبارتند از: اعطای کوثر (کوثر / ۱)، مقام شفاعت (ضحی / ۵)، شرح صدر (انشراح / ۱)، رحمت ویژه (آل عمران / ۱۵۹)، صلوات و تحیت (احزاب / ۵۶)، رزق و روزی خاص معنوی (طه / ۱۳۲ - ۱۳۱)، فتح مبین (فتح / ۱)، نزول سکینه و آرامش (توبه / ۲۶)، امداد غیبی و نزول ملائکه (توبه / ۲۶)، ثبات قلب و دلگرمی (فرقان / ۳۲)، سرپرستی و مأوی دادن (ضحی / ۶)، آشناسازی با معارف دین و هدایت مردم به سوی ایشان (ضحی / ۷)، غنی و بی نیاز کردن (ضحی / ۸)، آسان و روان سازی وجود مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله برای کارهای خیر و امور معنوی (اعلی / ۸)، سبکبالی (انشراح / ۲)، بلندآوازه کردن نام پیامبر صلی الله علیه و آله (انشراح / ۴)، هدایت (فرقان / ۳۱)، نصرت در دنیا و آخرت (حج / ۱۵)، ثبات قدم (اسراء / ۷۴)، مقام محمود (اسراء / ۷۹)، حمایت همه جانبه خدا با



واکوی موضوع حرمت پیامبر ﷺ از منظر آیات قرآن کریم □ ۵۱

همراهی جبرئیل امین، صالح المؤمنین (امام علی) و تمامی ملائکه (تحریم / ۴)، توجه و التفات ویژه (طور / ۴۸)، منت خدا بر خلق به واسطه بعثت پیامبر ﷺ (آل عمران / ۱۶۴)، اتمام نعمت و هدایت به صراط مستقیم (فتح / ۲)، آبرو بخشی در قیامت (تحریم / ۸)، همراهی و معیت ویژه (توبه / ۴۰)، تخفیف و آسان‌گیری در مدت شب زنده‌داری و قرائت قرآن (مزل / ۲۰)، آسان شدن تلاوت قرآن (مریم / ۹۷)، آسان قرار داده شدن واجبات و تکالیف (احزاب / ۳۸)، آسان‌گیری در احکام مربوط به ازدواج و طلاق (احزاب / ۵۱ - ۵۰)، سفارش بر پرهیز از عبادت‌های مشقت‌آور (طه / ۲)، معراج و قرب ویژه (اسراء / ۱)، از بین بردن و خنثی‌سازی کید و مکر دشمنان حضرت ﷺ (انفال / ۳۰)، دلداری (یونس / ۶۵)، کفایت امر (زمر / ۳۶)، انتقام از دشمنان (زمر / ۳۷)، حفظ جان (مائده / ۶۷)، تحقیر مخالفان و دشمنان [با عنوان کر و کور و لال؛ اموات و مردگان؛ چهار پایان] (بقره / ۱۸)، ایجاد رعب و وحشت در دل‌های دشمنان (احزاب / ۲۶)، تایید با معجزه شق القمر (قمر / ۱)، اجابت دعا (انفال / ۹)، لحاظ رضایت پیامبر ﷺ در تغییر قبله (بقره / ۱۴۴)، قسم و سوگند به جان پیامبر ﷺ (بروج / ۳)، قسم به شهر پیامبر ﷺ (بلد / ۲ - ۱)، قسم خوردن خدا به اموری، برای تأکید مطلبی در حق پیامبر ﷺ (یس / ۳ - ۱)، گرفتن میثاق از انبیاء ﷺ برای ایمان به پیامبر ﷺ و نصرت وی (آل عمران / ۸۱)، بشارت در کتاب‌های آسمانی گذشته (اعراف / ۱۵۷)، منع جنیان و شیاطین از استراق سمع در آسمان به یمن بعثت پیامبر ﷺ (جن / ۹ - ۸)، حفظ معجزه جاوید پیامبر ﷺ از تحریف (حجر / ۹)، پایان بخش نبوت (احزاب / ۴۰)، رسالت جهانی (سبأ / ۲۸)، قسم خدا به خودش، در تکریم جایگاه دوری و قضاوت پیامبر ﷺ (نساء / ۶۵)، مقام شهادت (بقره / ۱۴۳)، وعده عذاب برای آزاردهندگان پیامبر ﷺ (توبه / ۶۱)، اطاعت از پیامبر ﷺ اطاعت خداست (نساء / ۸۰)، بیعت با پیامبر ﷺ بیعت با خداست (فتح / ۱۰)، قرار دادن مودت ذی‌القربی به‌عنوان مزد رسالتش (شوری / ۲۳)، دور کردن پلیدی و نیز تطهیر اهل بیت ﷺ پیامبر ﷺ (احزاب / ۳۳)، قرار دادن اهل بیت پیامبر ﷺ به‌عنوان امت وسط و شاهد بر مردم (بقره / ۱۴۳)، مقدم ساختن پیامبر ﷺ بر جان انسان‌های با ایمان (احزاب / ۶)، رفع و برداشتن عذاب به‌واسطه حضور پیامبر ﷺ (انفال / ۳۳)، تعلیم علوم دست نیافتنی (نساء / ۱۱۳)، بخشش و در اختیار گذاشتن غنائم (انفال / ۱) و واگذاری خمس برگردانده شده. (حشر / ۷)

#### چهار. تجلیل پیامبر ﷺ در خطاب

خدای متعال از نظر ادب محاوره، حرمتی خاص برای پیامبر اکرم ﷺ قایل است که برای دیگر انبیاء ﷺ مطرح نبوده است، به‌گونه‌ای که دیگر پیامبران ﷺ را با نام مخصوص آنها خطاب می‌کند، اما هرگز نام مبارک رسول اکرم ﷺ را به‌عنوان «محمد» به‌کار نمی‌برد، بلکه همواره با چهار تعبیر تجلیل‌آمیز مانند: «یا ایها النبی» (ممتحنه / ۱۲)؛ «یا ایها الرسول» (مائده / ۴۱)؛ «یا ایها المزل» (مزل / ۱) و «یا ایها المدثر» (مدثر / ۱) یاد می‌کند که دو مورد اخیر آن ناظر به نکته‌ای لطیف تاریخی است، مثلاً درباره حضرت آدم ﷺ

می فرماید: «يَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» (بقره / ۳۵) درباره حضرت نوح عليه السلام می فرماید: «يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا» (هود / ۴۸) درباره حضرت ابراهیم عليه السلام می فرماید: «يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا» (هود / ۷۶) درباره حضرت موسی عليه السلام می فرماید: «يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ» (قصص / ۳۱) درباره حضرت عیسی عليه السلام می فرماید: «يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ» (مائده / ۱۱۰) درباره حضرت داود عليه السلام می فرماید: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً» (ص / ۲۶) درباره حضرت زکریا عليه السلام می فرماید: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ» (مریم / ۷) و درباره حضرت یحیی عليه السلام می فرماید: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم / ۱۲) افزون بر این، در دیگر مواردی که خدا از اخبار و اتفاق های مرتبط با دیگر انبیاء عليهم السلام سخن می گوید، همچنان به اسم و نام آنها اشاره دارد (طه / ۱۲۱) اما درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چهار موردی که به نام «محمد» اشاره شده، موضوع رسالت ایشان، مورد توجه قرار گرفته است (آل عمران / ۱۴۴) در مورد تنها کاربرد نام مبارک «احمد» نیز، این مطلب قابل مشاهده است (صف / ۶) افزون بر خطاب های جلالت آمیز خدا درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله به بندگان نیز دستور داده شده است که: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور / ۶۳) هرگاه خواستید پیامبر صلی الله علیه و آله را صدا بزنید، او را مانند مردی عادی صدا نزنید، بلکه هم نحوه صدا زدن و هم اصل آن، آمیخته با تجلیل و تکریم باشد (اعراف / ۱۵۷) از جمله ظرائفی که در خطاب های خدای متعال به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد؛ تنوع آنها است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۹: ۲۶ / ۲۹۰ - ۲۶۴) که می تواند در چند دسته گنجانده شوند:

۱. برخی خطاب ها، «امتنانی» اند؛ یعنی در درون خود، به بیان نعمتی که خدای متعال به آن حضرت صلی الله علیه و آله مرحمت فرموده است، اشاره دارد؛ (کوثر / ۳ - ۱)
۲. برخی دیگر «تحریمی» اند، که به تشویق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای انجام امری می پردازد؛ (تحریم / ۹)
۳. خطاب های «تسلی بخش» که در آنها به دلداری و تسلی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرداخته شده است؛ (یونس / ۶۵)
۴. خطاب های «تشجیعی» از دیگر خطاب های خدا به حضرت رسول صلی الله علیه و آله است که در آنها، همراه با تضمین حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله، به تقویت شجاعت و توان ایشان صلی الله علیه و آله در امر رسالت کمک می شود؛ (مائده / ۶۷)
۵. خطاب های «تشریفی» که با نوعی احترام همراه است. این خطاب ها انواع متعددی دارد؛ مانند ضمیر خطاب «أنت»: (بلد / ۲) «وَأَنْتَ جَلُّ بِهَذَا الْبَلَدِ»؛ (بلد / ۲) «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ»؛ و نیز (بقره / ۱۴۵)؛ (انعام / ۱۰۷ و ...):
۶. خطاب های «تکریمی» که در آنها پیامبر صلی الله علیه و آله با عناوین مرتبط با رسالت و نبوت، مورد خطاب قرار می گیرد، عناوینی مانند «یا ایها الرسول» (مائده / ۴۱)؛ «یا ایها النبی» (ممتحنه / ۱۲)؛ «یا ایها المرمل» (مزمل / ۱)؛ «یا ایها المدثر»؛ (مدثر / ۱)

واکاوی موضوع حرمت پیامبر ﷺ از منظر آیات قرآن کریم □ ۵۳

۷. خطاب‌های «خاص با مراد خاص» که در این دسته از خطاب‌ها، مراد اصلی همان وجود مبارک رسول اکرم ﷺ می‌باشد؛ (بقره / ۱۴۴)

۸. خطاب‌های «خاص با مراد عام»: گرچه در این خطاب‌ها، مورد خطاب، خاص می‌باشد، اما همگان مراد می‌باشند؛ (نساء / ۱۰۶)

۹. خطاب‌های «عبرت‌آموز»: که پیامبر ﷺ را به عبرت‌آموزی رهنمون می‌شود؛ (یونس / ۳۹)

۱۰. خطاب‌های «مهرجویانه»: که پیامبر اسلام ﷺ در آنها مورد مهر و ملاحظت قرار گرفته است؛ (آل عمران / ۱۵۹)

۱۱. خطاب‌های «هشدارآمیز»: که برای هشدار و دقت نظر است. (آل عمران / ۶۰)

### پنج. دلداری خدای متعال به پیامبر اکرم ﷺ

رسول گرامی اسلام ﷺ در راستای تبلیغ و هدایتگری خویش، همواره با افراد لجوج و دشمنی‌های گسترده مخالفان اسلام اعم از کفار و مشرکان، منافقان و اهل کتاب مواجه بوده است و از آنجا که روح بلند و وجود پر برکت آن حضرت ﷺ در پی هدایت همگان - حتی دشمنان لجوج و معاند - بوده، سختی‌های فراوانی را متحمل شده است. امام خمینی می‌فرماید:

در شدت شفقت و رأفت آن بزرگوار بر همه عائله بشری بس است آیه شریفه سوم سوره شعراء که فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» و در اوایل سوره کهف که فرماید: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» سبحانه الله تأسف به حال کفار و جاحدین حق و علاقه‌مندی به سعادت بندگان خدا کار را چقدر به رسول خدا ﷺ تنگ نموده که خدای تعالی او را تسلیت دهد و دل لطیف او را نگهداری کند که مبادا از شدت هم و حزن به حال این جاهلان بدبخت دل آن بزرگوار پاره شود و قالب تهی کند.

دشمنی با حضرت ﷺ تا آن اندازه بوده است که خود در این باره فرمود: «لَقَدْ أُذِيتُ فِي اللَّهِ وَمَا يُؤْذِي أَحَدٌ، وَلَقَدْ أُحِفْتُ فِي اللَّهِ وَمَا يُحَافُ أَحَدٌ، وَلَقَدْ أَتَتْ عَلَيَّ ثَالِثَةٌ وَمَا لِي وَلِبِلَالٍ طَعَامًا يَأْكُلُهُ ذُو كَبِدٍ إِلَّا مَا وَّارِي إِبْطَ بِلَالٍ» (متقی هندی، ۱۴۱۳: ۶ / ۴۹۱) یعنی «هیچ کس به اندازه من در راه خدا آزار ندیده و هیچ کس به اندازه من در راه خدا ترسانده و تهدید نشده است. سه شبانه روز بر من می‌گذشت، درحالی که من و بلال حبشی، غذایی که موجود زنده‌ای می‌خورد، برای خوردن نداشتیم، مگر آن مقداری که اگر زیر بغل بلال می‌گذاشتی، ناپدید می‌شد؛ و در جای دیگری فرمود: «ما اوذی أحد مثل ما اوذیت؛ هیچ کس به اندازه من آزار ندیده است» (اربلی، ۱۴۲۶: ۲ / ۵۳۷) شهید مطهری می‌نویسد:

رسول اکرم ﷺ فرمود: «ما أَوْذَى نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أَوْذَيْتُ؛ هیچ پیغمبری به اندازه من رنج نکشید. بعضی از پیغمبرانِ دیگر بیش از رسول اکرم رنج تن کشیدند و پیغمبرانی در گذشته بوده‌اند که به وضع فجیعی تحت شکنجه مردم واقع شده‌اند و به وضع فجیعی کشته شده‌اند، ولی از آنجایی که «هرکه او آگاه‌تر پردردتر» هیچ کس به اندازه وجود مقدس او درد آگاهی و رنج حساسیت نکشید. در اُحُد درحالی‌که عزیزانش، کسانی که به آنها نهایت علاقه را داشت مثل عمویش حمزه سید الشهداء جلو چشمش به خاک و خون غلتیده بودند و دندان و پیشانی‌اش شکست، در عین حال برای همان مردمی که این جنایت‌ها را مرتکب شده بودند، استغفار می‌کرد و می‌گفت: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَاَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۲ / ۲۸۲)

در اشعار فارسی نیز به این موضوع اشاره شده است (ر.ک: توسلیان، ۱۳۸۶) در این راستا دلداری‌های متعددی از سوی خدای متعال نسبت به پیامبر اسلام ﷺ صورت پذیرفته است. در قرآن کریم از این دلداری‌ها بدین‌گونه یاد شده است: تسلائی خاطر بخشیدن خدا به محمد ﷺ، با اعطای کوثر کثرت نسل و ذریه، در برابر ابتر خواندن آن حضرت از زبان دشمنان (کوثر / ۳ - ۱)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ با بیان سرگذشت پیامبران و برخورد ناروای امت‌ها با آنان و در نهایت عاقبت نیک و پیروزی انبیا در برابر مخالفت‌ها و تکذیب‌های مشرکان (یونس / ۷۳)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ، با بیان ایمان گروهی از اهل کتاب، در برابر دشمنی گروهی دیگر (آل عمران / ۱۸۴)؛ رؤیای پیامبر ﷺ در تشبیه ماهیت بنی‌امیه به شجره ملعونه، برای دلداری به پیامبر ﷺ (اسراء / ۶۰)؛ دلداری خدا به محمد ﷺ، با یادآوری استهزای انبیای گذشته و سرنوشت شوم استهزاکنندگان (انعام / ۱۰)؛ دلداری خدا به محمد ﷺ با بیان فلسفه مهلت دادن خدا به کافران (ابراهیم / ۴۲)؛ دلداری پیامبر ﷺ با اعطای مقام شفاعت در قیامت (ضحی / ۵)؛ دلداری خدا از پیامبر اکرم ﷺ با نزول آیات پس از قطع موقت وحی و بیان دوران سخت زندگی پیامبر ﷺ و برشمردن نعمت‌ها و حمایت‌های الهی از آن حضرت ﷺ (ضحی / ۷ - ۳)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ در غزوه بدر، با وعده امداد ملانکه، پس از تنگنای به وجود آمده برای مسلمانان (انفال / ۹)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ با وعده قطعی به بخشش پیایی به آن حضرت ﷺ، تا حد رضایت کامل در آخرت (ضحی / ۵ - ۳)؛ بشارت و دلداری خدا به پیامبر ﷺ با پیروزی وی بر کافران (صافات / ۱۷۳ - ۱۷۱)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ، با بیان تأثیر نداشتن کفر کافران و محروم بودن آنان از هر بهره‌ای در آخرت (آل عمران / ۱۷۶)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ در مقابل مکر یهودیان (مائده / ۴۱)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ، در صورت امتناع خویشاوندان آن حضرت ﷺ از گرایش به وی (شعراء / ۲۲۰ - ۲۱۴)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ به جهت نگرانی حضرت ﷺ از زیادی اموال و اولاد منافقان و تأثیر منفی آن در اعتقادات مسلمانان، با بیان حکمت آن (توبه / ۵۵)؛ دلداری خدا به

واکاوی موضوع حرمت پیامبر ﷺ از منظر آیات قرآن کریم □ ۵۵

پیامبر اکرم ﷺ در بازگشت دوباره آن حضرت ﷺ به مکه (قصص / ۸۵)؛ دلداری خدا به پیامبر ﷺ در برابر مخالفت‌های کافران عنود، قدرت‌طلب و افزون‌خواه (همچون ولید بن مغیره) (مدثر / ۱۶ - ۱۱)؛ تسلابخشی خدا به پیامبر ﷺ، نسبت به تسلط مجدد پیامبر ﷺ بر اسیران آزاد شده، در صورت خیانت آنان (انفال / ۷۱ - ۷۰)؛ دلداری خدا به پیامبر اکرم ﷺ، در برابر توطئه بعضی همسران آن حضرت ﷺ در افشای اسرار وی (تحریم / ۵ - ۳)؛ دلداری و تقویت روحیه پیامبر اکرم ﷺ از جانب خدا، نسبت به اتهام‌های واهی کافران، علیه آن حضرت ﷺ همچون اتهام به جنون شاعری، سحر و کهنانت (انبیاء / ۵ و ۹ - ۷)؛ دلداری خدا به پیامبر اکرم ﷺ با تحقیر کافران و تشبیه آنان به چهارپایان (فرقان / ۴۱ و ۴۴)؛ دلجویی خدا از پیامبر ﷺ با یادآوری نظارت همیشگی خویش بر قیام و راز و نیازهای شبانه وی. (شعراء / ۲۱۶-۲۱۹)

## نتیجه

حرمت پیامبر اسلام ﷺ از جمله مباحث مورد توجه و تأکید در آیات قرآن کریم است. حفظ حرمت پیامبر اکرم ﷺ بر هر چیزی مقدم است و همه چیز در وقت ضرورت و نیاز، فدایی آن حضرت ﷺ می‌شود.

معنای «منع و تشدید» در واژه حرمت نهفته است و حرمت به معنای «چیزی که هتک آن روا نمی‌باشد» است. در قرآن کریم، مؤلفه‌ها و مستندهای متعددی برای حرمت پیامبر اکرم ﷺ وجود دارد که همه آنها لزوم حفظ حرمت آن بزرگوار ﷺ را به اثبات می‌رسانند. از جمله مؤلفه‌های حرمت پیامبر اسلام ﷺ بر اساس آیات قرآن کریم عبارتند از: عنایت‌های ویژه خدا به پیامبر ﷺ؛ همراهی و معیت نام پیامبر ﷺ با نام خدا در آیات متعدد قرآن کریم؛ مصادیق متعدد محبت ویژه خدا به پیامبر اکرم ﷺ؛ تجلیل پیامبر اکرم ﷺ در قرآن و دلداری‌های خدای متعال به پیامبر اکرم ﷺ.

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه علی شیروانی، قم، دفتر نشر معارف.
- ابن ابی الحدید، عزالدین بن هبة الله، ۱۴۱۵ ق، شرح نهج البلاغه، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه تاریخ عربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۳۹۰، ترتیب مقایس اللغة، ترتیب و تنقیح علی عسکری و حیدر مسجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۲۶ ق، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، قم، مجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام.
- بستانی، معلم بطرس، بی تا، *دائرة المعارف بستانی*، بیروت، دار المعرفة.
- توسلیان، رحیم، ۱۳۸۶، *جام محمدی علیه السلام (هزار سال شعر پارسی در منقبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)*، تهران، آفتاب گرافیک.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره رسول اکرم در قرآن)*، ج ۸-۷، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، قاهره.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، بی تا، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، *مفردات الراغب الاصفهانی مع ملاحظات العالمی*، بیروت، دار المعروف.
- سعدی، ابوجیب، ۱۴۰۸ ق، *قاموس الفقھی لغة و اصطلاحاً*، دمشق، دار الفکر.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دار الفکر.
- شریعتمداری، جعفر، ۱۳۸۷، *شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی علیهم السلام.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اعلمی.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۹۲، *مکارم الاخلاق*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶ ق، *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی.
- قعله چی، رواس، ۱۴۰۸ ق، *معجم لغة الفقهاء*، بی جا، دار النفاثس.
- متقی هندی، علاء الدین علی، ۱۴۱۳ ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار علیهم السلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *مجموعه آثار شهید مطهری*، قم، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۲، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، سی گل.
- مغناوی، سعید، ۱۴۲۹ ق، *شخصیة رسول الله صلی الله علیه و آله بین التصوير الوحی و تصورات الدارسین*، بیروت، دار ابن حزم.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۹، *فرهنگ قرآن*، قم، بوستان کتاب.
- واعظزاده خراسانی، محمد، ۱۳۸۷، *المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی